

م ۲۰۰۹/۰۹/۷

نوشته و اسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

## کی جی بی در افغانستان



قسمت چاردهم

دشمن شماره یک

دشمن شماره یک در گام نخست به ایالات متحده امریکا و قدرت های غربی اطلاق می شود. نمایندگان و شهروندان این کشورها در افغانستان توسط کی جی بی «پرورده» می شدند<sup>۱</sup>. [برینجا چهل سطر کشیده شده است]

در جنوری سال ۱۹۶۵ از طریق یک ایجننت در ذهن پادشاه افغانستان زهر پاشی صورت گرفت که گویا امریکایی ها دست اندرکار فعالیت های ضد افغانی بودند. درین ارتباط مقاله بی زیر عنوان «در قلب آسیا چه می گذرد؟» در ماه می آن سال در یک روزنامه قاهره بچاپ رسید که در آن از افغانان بصورت کل بخوبی یاد شده بود ولی ذکری نیز از فعالیت های ضد افغانی امریکایی ها صورت گرفت. این مقاله میان اعضای حکومت افغانستان و کور دیپلماتیک متعین این کشور پخش گردید. [سه خط کشیده شده است] اقامتگاه کی جی بی پس از نشر این مقاله حکومت افغانستان را متقاعد ساخت که امریکایی ها در کارزار انتخابات<sup>۲</sup> دست اندازی کرده و از اشخاص مورد نظر خود برای انتخاب شدن در شورای ملی کشور پشتیبانی می نمودند. داکتر محمد یوسف صدراعظم افغانستان بتاريخ ۹ اگست ستیفز<sup>۳</sup> سفیر کبیر ایالات متحده امریکا را فرا خوانده و ناخشنودی حکومت افغانستان را در قبال تلاش های امریکا برای مداخله در امور داخلی افغانستان ابراز داشت. این اقدامات به تقویة احساسات ضد امریکایی در حلقهات حاکم کشور کمک کرده کار امریکاییان در افغانستان را کند ساخت.

اقامتگاه کی جی بی در کابل براین باور بود که امریکایی ها انتظار سرنگونی سلطنت در افغانستان را نداشتند بنابراین خدمات ویژه ایالات متحده امریکا در تلاش بود تا این فروگذاشت خود را با برداشتن گامهای فعال در جهت

<sup>۱</sup> پرورش در چنین متن و سیاقی در قاموس کی جی بی عبارت است از پیشبرد تدابیر اوپراتیفی ایجننتوری بالای شخص یا زمینه ایکه آماج استخبارات قرار می گیرد. هدف از چنین «پرورش» دستیابی به اهداف تعیین شده می باشد (جلب و جذب، افشا سازی، انگیزش به ارتکاب اعمال مشخص، بی اعتبار سازی، استخبار، نفوذ دهی، کارگیری از نفوذ شخص مذکور و غیره) [۳۶ سطر کشیده شده است] - یاداشت نویسنده

<sup>۲</sup> منظور انتخابات دوره دوازدهم شورای ملی افغانستان است - برگرداننده

<sup>۳</sup> Steeves

براندازی نظام جمهوریت، احیای سلطنت، قرار دادن عوامل خود در مقام های کلیدی دولت و متحد ساختن همه عناصر ارتجاعی و ضد شوروی در یک نیروی واحد سیاسی جبران نماید. اقامتگاه کی جی بی بر آن بود که چندین فرستاده و کارشناس فعالیت های مخفی امریکایی برای این منظور به افغانستان فرستاده شده و گروه های ضد شوروی در ترکیه، جمهوری فدرالی آلمان و ایالات متحده امریکا ایجاد گردیده بودند.<sup>۴</sup> اینکه کارشناسان امریکایی، فرانسوی، بریتانوی و آلمان غربی در صفحات شمال کشور در نزدیک مرز با اتحاد شوروی مشغول کار بودند از نظر کی جی بی مشکوک به نظر می رسید و اینکه شمار فزاینده سیاحین و جهان گردان از ایالات متحده امریکا، دنمارک و هالند به مناطق شمال افغانستان سفر می کردند و با بهانه های مختلف می کوشیدند با شهروندان شوروی دیدار و با آنها آشنایی بهم رسانند نیز مورد توجه قرار گرفته بود. فکر می شد که هر لحظه ممکن است افراطیان محلی یا بین المللی به خیزش ها و طغیان های ضد شوروی دست زنند. به این دلیل اقامتگاه کی جی بی به مصونیت نهادهای مربوط به شوروی ها، هواپیماهای شوروی در فرودگاه ها و جاهایی که اتباع اتحاد شوروی در آنها بسر می بردند توجه بیشتری مبذول می کرد.

اقامتگاه در همه محلات شوروی نشین و مجتمعات کاری شوروی ها در افغانستان ایجنت و مخبر داشت. در سال ۱۹۷۷ کی جی بی ۷۲ ایجنت و ۹۰ مخبر از میان اتباع شوروی و ۱۵ ایجنت و ۱۹ مخبر دیگر از میان کارشناسان نظامی در خدمت داشت. تعداد ایجنت ها و چگونگی گسترش آنها میان کسانی که آماج استخبار قرار داشتند این امکان را بدست می داد تا همه محلات شوروی نشین زیر پوشش استخباراتی قرار داده شوند، ولی گزارشات و اشارات کافی پیرامون نیت خصمانه خدمات ویژه رقیب ازین طریق بدست نمی آمد. عوامل نخبه که بیشترین و بهترین آموزش را دیده بودند در برابر امریکایی ها بکار برده می شدند. [۱۳ سطر درینجا کشیده شده است]

کی جی بی در اپریل ۱۹۷۴ [نامی درینجا بچاپ نرسیده است] (با نام مستعار «عزت») را بمثابة طعمه تله در برابر دو نفر امریکایی قرار داد. [نام ها و مشخصات تثبیت هویت کشیده شده اند] «عزت» ترجمان کمیته دولتی روابط اقتصادی اتحاد شوروی و پیش از آن منشی کمیته منطوقی کمسول در باکو بود. میرموفسوموف<sup>۵</sup> به آن دونفر امریکایی ایما و اشاره رساند که «عزت» در فکر فرار به غرب است اما نمی داند چگونه فرار خود را ترتیب دهد و از آنها خواستار مشوره و همکاری با وی گردید. آنها با «عزت» قرار گذاشتند تا در رستوران [نام رستوران حذف گردیده است] باهم دیدار نموده و به آرامی درمورد نیت فرار به غرب صحبت کنند. درعین حال اقامتگاه کی جی بی از ایجنت خود فیض محمد (نام مستعار «اکبر») که برای دستگاه استخبارات (امنیت ملی) افغانستان کار می کرد تقاضا کرد تا برای بازداشت و تثبیت هویت امریکایی ها اقدام کند. «اکبر» برای اجرای این عملیات از یک گروه عملیاتی امنیت ملی افغانستان تحت رهبری عبدالصمد از هر (ایجنت کی جی بی با نام مستعار «فتح») کار گرفت. در هنگامی که «عزت» با امریکایی ها در رستوران مشغول گفت و شنید بود افراد پولیس بر امریکایی ها هجوم بردند. [درینجا سه کلمه بشمول یک نام کشیده شده است] یکی از افراد پولیس به گلولی یکی از امریکایی ها چنگ انداخت و دوی دیگر به بازوانش چسبیدند. آنها او را از رستوران بیرون کشانده بداخل موتر پولیس انداختند و به مرکز پولیس بردند. دونفر امریکایی دیگر [نام هایشان حذف گردیده است] نیز بازداشت گردیدند. از موضوع به عنوان عمل تحریک آمیز امریکا به هدف آسیب رساندن به مناسبات با یک کشور دوست به رئیس جمهور داؤد خبر داده شد و او عمل پولیس را مورد تأیید قرار داد. [یک سطر حاوی یک نام کشیده شده است] اقامتگاه کی جی بی از وضعیت برای تشدید و تقویه نفوذ شوروی در حلقات حاکم افغانستان و تضعیف موقف امریکایی ها استفاده برد. نماینده مقیم کی جی بی یوری میخائیلوویچ سورنن<sup>۶</sup> بخاطر نقشش درین ماجرا به عضویت افتخاری خدمات مصونیت دولتی نایل آمد و به «عزت» یک قاب ساعت بند دستی به عنوان هدیه تمجید و تحسین اعطا گردید.

«فتح» (عبدالصمد از هر) ایجنتی که در بالا از وی نام برده شد عضوی از گروه جاسوسی «اشعه» بود که از طرف اقامتگاه کی جی بی در چوکات حزب پرچم در بدو پیدایش این حزب ایجاد گردید. از هر در مصر و ایالات

<sup>۴</sup> متن میتروخین درینجا مانند بسی نقاط دیگر درین نوشته بنابر دلالتی که به تکرار ذکر شده است گنگ می باشد، اما از فحوا چنین درک می شود که منظور باید گروه های ضد شوروی افغانان درین کشور باشد. — برگرداننده  
<sup>۵</sup> Mir-Movsumov نویسنده هیچگونه تذکر بیشتری در مورد این شخص نمی دهد — برگرداننده

<sup>۶</sup> Yuri Mikhailovich Surnin

متحدہ امریکا آموزش پولیس را فراگرفته در ابتدا بحیث آمر امنیت میدان هوایی کابل و سپس در دوران زمامداری رئیس جمهور داؤد قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس بود. وی همکاری خود با کی جی بی را در سال ۱۹۷۲ آغاز نمود و در اقدامات فعال و عملیات ویژه کی جی بی سهم داشت. ایجنتی با نام مستعار «علی» (محمد عزیز)<sup>۷</sup> که در گذشته شهردار شهر کابل بود مسئولیت گروه جاسوسی «اشعه» را که دارای هفت عضو بود به عهده داشت. عضو ارتباطی او با کی جی بی معاون نماینده مقیم در امور استخباراتی گولیوانوف<sup>۸</sup> بود. [درینجا در حدود ۲۵ سطر کشیده شده است]

کی جی بی غرض کمتر ساختن امکان گزارش اوضاع واقعی کشور به اقداماتی دست زد تا خبرنگاران امریکایی جیمز ستربا از روزنامه نیویارک تایمز<sup>۹</sup>، ولیام برانینگان از روزنامه واشنگتن پوسٹ<sup>۱۰</sup>، جیمز دورسی از کرسچن ساینس مونیٹور<sup>۱۱</sup>، نامه نگار یک شرکت رادیو تلویزیون امریکایی و سائر خبرنگاران غربی از افغانستان اخراج شوند و برخلاف دروازه های کشور بروی ژورنالیستان به اصطلاح مترقی مانند [نام حذف شده است] از [ملیت حذف شده است] مربوط به روزنامه [نام روزنامه حذف شده است] که رابط مورد اعتماد خدمات استخباراتی کیوبا بود چهار تاق باز گردد تا آنها گزارشات مساعدی در مورد وضعیت در افغانستان تهیه کنند.

اقامتگاه کی جی بی پیوسته به شاه محمد دوست خادم خود در وزارت امور خارجه نق می زد تا مقالاتی را پیرامون مداخلات امریکایی ها، پاکستانی ها و چینیایی ها در امور داخلی افغانستان به نشر رسانده و درین مورد به ملل متحد و سائر سازمان های بین المللی شکایت کند.

بروز ۱۰ اپریل ۱۹۸۰ کی جی بی جهت نکوهش تهیه اسلحه کیمای امریکایی به مجاهدین و استعمال آنها کنفرانس مطبوعاتی ایرا که از پیش تمرین و صحنه آرایبی نموده بود برای روزنامه نگاران افغانی و خارجی در کابل دایر نمود. عبدالمجید سربلند وزیر اطلاعات و کلتور این همایش مطبوعاتی را عرضه کرد و مسئول یک گزمه افغانی در هرات یکجا با یک فرد دستگیر شده ایرانی در آن سهم گرفتند و مداخلات امریکا را تقبیح کردند. راه اندازی این کنفرانس مطبوعاتی مورد تأیید زیاد کارمل قرار گرفت. اما چگونه می شد حادثه مسمومیت عمومی اهالی بزله گنبد<sup>۱۲</sup> را که در ساحة عملیات قطعات نظامی شوروی در پامیر افغانی واقع بود پنهان نمود؟ سه صد و پنجاه خانوار قیرغیزی در پامیر افغانی به بیماری مرگبار و مرموز سرفه خون افشان گرفتار شدند. پرونده مربوط این قضیه را اندروپوف زیر اداره و نظارت شخص خود قرار داد.

اقامتگاه کی جی بی در افغانستان «اسناد» معینی در مطبوعات فلسطینی بیروت به نشر سپرد و خواست به رهبری افغانستان نشان دهد که امریکایی ها از اختلافات درونی ح.د.خ.ا. میان خلقی ها و پرچی ها و وضع زار اردوی افغانستان سود جسته دولت افغانستان را تضعیف و مشکلات سیاسی داخلی برای آن ایجاد می کنند.

کی جی بی طرح ملی سازی شرکت هوایی آریانا را ریخت. بر اساس این طرح قرار شد آریانا پروازهای داخلی و بین المللی خود را از طریق هوایمایی ایروفلوت شوروی انجام داده طیارات مورد نیاز خود را از اتحاد شوروی خریداری نماید.

بتاریخ ۱۴ می ۱۹۸۰ نشر سلسله بی از پرسش ها از خبرنگار آژانس خبر گزاری باختر و پاسخ ها از جانب وزیر خارجه شاه محمد دوست ترتیب داده شد. پرسش ها و پاسخ ها هر دو از طرف کی جی بی نوشته شده بودند. سفیر کبیر تابییف به دستور اندروپوف بروز ۱۲ مارچ از کارمل خواست تا تظاهرات ضد امریکایی را در کابل قسمی سازمان دهد که مصادف با ۲۱ مارچ (نوروز) یعنی روزی باشد که از جانب رونالد ریگن رئیس جمهور امریکا و پارلمان های کشورهای اروپایی بنام «روز افغانستان» اعلام شده بود. این تظاهرات بروز ۲۰ مارچ در بیرون سفارت امریکا در کابل با شعارهای «مرگ بر امپریالیزم!» و «مرگ بر ریگن!» در تقبیح مداخلات

<sup>۷</sup> در اصل به شکل Mukham Aziz آمده است - برگرداننده

<sup>۸</sup> K.R. Golivanov

<sup>۹</sup> James P. Sterba - *The New York Times*

<sup>۱۰</sup> William Branigan - *The Washington Post*

<sup>۱۱</sup> James Dorsay - *The Christian Science Monitor*

<sup>۱۲</sup> کنا فی الاصل (Bazla Gumbat) - برگرداننده

امپریالیزم بین المللی به سردمداری ایالات متحده آمریکا در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان راه اندازی شد.

درینجا بصورت اخص باید از قضیه دابز<sup>۱۳</sup> تذکار صورت گیرد. کی جی بی از تقرر دابز بحیث سفیر امریکا در افغانستان نگران بود. حینی که دابز پیشتر از آن سمت سکرتر اول سفارت امریکا در ماسکو را داشت کی جی بی او را زیر مراقبت شدید قرار داده بود. از نظر کی جی بی دابز با منطقه و فعل و انفعالات سیاسی آن از نزدیک آشنا بود و با سی آی ای پیوندهایی داشت و مورد اعتماد آن بود، بنابراین انتصاب وی بحیث سفیر به افغانستان بمثابة جزئی از تلاش های ایالات متحده آمریکا برای اثر گذاری بر حکومت جدید افغانستان جهت مانع شدن از نزدیکی بیش از حد آن با اتحاد شوروی تلقی می شد. دابز در تقویه موقف و نفوذ امریکا در شرق میانه و منطقه خلیج فارس نقش داشت و از جمله کسانی بود که برای تحقق مفکوره مثلث افغانستان – پاکستان – ایران فعالانه تلاش می کردند. بروز ۳ اگست ۱۹۷۸ اوسادچی نماینده مقیم کی جی بی تلگرامی در مورد دابز دریافت داشت که در آن اضافه بر آنچه ذکر گردید چنین ظهار نگرانی شده بود: «منتفی نمی توان دانست که دابز در تماس هایی که با رهبری افغانستان خواهد داشت درک "عمیق" و آگاهی خود در مورد وضعیت در اتحاد شوروی و سیاست خارجی آن را بکار خواهد گرفت. به عقیده ما این یکی از خطرناک ترین جنبه های فعالیت هایش است.» اقامتگاه پاسخی با همین روحیه به دفتر مرکزی کی جی بی نوشت و اظهار داشت که سفارت امریکا در کابل تحت اداره دابز فعالانه مشغول تبلیغ و نشر پروپاگاند میان مردم و روشنفکران افغانی است و کوشش می کند این باور را به آنها بدهد که اتحاد شوروی کشور شانرا اشغال نموده تا بمثابة تخته خیزی برای گسترش نفوذ آن به هند، پاکستان و آسیای جنوب شرقی از آن استفاده نماید. ابرهای تیره ای که کی جی بی پدید آورده بود ارغند شده می رفتند و بی گمان رگبار ژاله در پی بود.

برده های اسراری که حادثه مرگ دابز را پیچانیده اند هنوز هم برداشته نشده اند. آنچه درین مورد برای ما آشکار است چنین است:

بروز ۱۴ فیروزی ۱۹۷۹ اشخاص ناشناسی دابز را از روی جاده ربوده و او را به هتل کابل بردند. دهشت افگنان تقاضا داشتند تا بحرالدین باحث و مولینا فیضانی مربوط به گروه ستم ملی در برابر رهایی سفیر امریکا از زندان رها ساخته شوند (باحث و فیضانی هر دو بلافاصله پس از کودتای ثور اعدام شده بودند). امین به مشوره کی جی بی به یک گروه هجومی امر کرد تا به اتاقی در هتل کابل که سفیر در آنجا نگهداری می شد یورش برند و تروریستان را نابود سازند. دسته هجومی که واسکت های محافظتی روسی به تن و کلاشنیکوف بدست داشتند اتاقی را که دهشت افگنان و گروگان شان در آن قرار داشتند زیر رگبار گلوله گرفتند. حد اقل دو مرمی بر دابز اصابت نمود و او را زخم مرگبار زد که به اثر آن جان داد. از تروریستان دو تن کشته، یکی دستگیر و یکی هم موفق به فرار شد. بعداً واضح گردید که چهار تروریست فقط سه تفنگچه بدست داشتند.

بختورین (نام مستعار «ولگین»)<sup>۱۴</sup> دستیار امنیتی سفیر و سکرتر اول سفارت شوروی، کوتیپوف (نام مستعار «کرابز»)<sup>۱۵</sup> سکرتر دوم سفارت، و کلوشنیکوف<sup>۱۶</sup> مشاور جلوگیری از جنایات وزارت امور داخله افغانستان در زمان یورش در هتل حاضر بودند. آنها در جریان عملیات پیشنهاد کرده بودند تا دفع الوقت صورت گیرد، اظهاراتی به خبرنگاران صورت نگیرد، مذاکراتی با تروریستان راه نیفتد بلکه از بین برده شوند و اشخاص کنجکاو از هتل دور نگهداشته شوند. آنها به امریکاییانی که به هتل آمده بودند اجازه ندادند تا پوچک های مرمی را با خود ببرند. در برابر احتمال اینکه اتاق هتل مورد معاینه کارشناسان امریکایی قرار گیرد، ماشینداری شبیه به کلاشنیکوف ولی از منشأ نامعلوم در اتاق جا گذاشته شد و بنام سلاح بدست آمده از نزد تروریستان ثبت دفتر گردید.

<sup>۱۳</sup> ادالف دابز (Adolph "Spike" Dubs) سفیر کبیر امریکا در افغانستان که در زمان حکومت تره کی – امین توسط افراد مسلح ربوده شده به هتل کابل برده شد و حین حمله نیروهای مسلح افغانی زیر نظر مشاورین روسی بتاریخ ۱۴ فیروزی ۱۹۷۹ به قتل رسید – برگرداننده

<sup>۱۴</sup> S.G. Bakhturin ('Volgin')

<sup>۱۵</sup> Yu.I. Kutepov ('Krabs')

<sup>۱۶</sup> A.S. Klushnikov

فردای آنروز اوسادچی و یولی<sup>۱۷</sup> به هدایت دفتر مرکزی کی جی بی به دیدار امین رفتند تا در مورد اینکه مواقع را چگونه به امریکایی ها توجیه کنند صحبت نمایند. توافق بر آن شد تا مراتب تعزیت و غمشریکی با امریکاییان ابراز گردد، پرچم کشور بالای ساختمان های دولتی نیمه افراشته گردد و عکس آن چهار دهشت افکن در روزنامه ها بچاپ رسد. جهت عقیم ساختن درخواست امریکایی ها برای استنطاق از تروریست دستگیر شده و تعقیب و جستجوی تروریستی که موفق به فرار شده بود، تصمیم گرفته شد تا تروریست دستگیر شده یکجا با یکتان زندانی دیگر بنام تروریست چهارمی اعدام گردند و داستان کشته شدن هر چهار اختطاف کننده در جریان یورش بر هوتل به خورد روزنامه ها داده شود. هر دو محکوم شب همان روز اعدام گردیدند. قرار شد تا اگر امریکایی در مورد دست داشتن مشاورین شوروی در عملیات دستگیری تروریستان توضیح بخواهند امین، سروری و ترون بگویند که جانب افغانی تصمیم گرفت تا مستقلانه و بدون استشاره دست به اقدام قاطع زده و به حساب تروریستان برسد و هیچ مشاور شوروی در صحنه حاضر نبوده است. واما، بمجرد اینکه کی جی بی خود را از شر امین خلاص کرد خدمات کژآگاه سازی داستان جدیدی از ماجرای مرگ سفیرکبیر دابز را در مطبوعات خارجی به شرح ذیل کاشتند:

«هنگام تحقیق در جنایات حفیظ الله امین، این ایجنت سی آی ای، کاشف بعمل آمد که چهار نفر "دهشت افکن" مذکور اعضای یک سازمان شیعی اسلامی بودند که عکس العمل خود را در برابر سرکوب ناحق و کتلوی شیعیان توسط امین ابراز می کردند. امین با نابود سازی مسلمانان بمثابه یک ایجنت امپریالیزم عمل می کرد بنابراین تروریستان دست از جان شسته به اقدامات افراطی دست زدند تا امریکاییان را به اذعان و تصدیق این امر وادارند. نقشه آنها چنان بود که سفیر امریکا را اختطاف نموده و با تهدید بمرگ وادار سازند تا پرده از راز بردارد و به پیوند نهانی میان سفارت امریکا در کابل و حفیظ الله امین اقرار نماید. حینی که دابز در هوتل کابل اسیر دست تروریستان بود امین فرمان یورش بی لزوم و غیر ضروری را صادر کرد و امر نمود تا هیچگونه گذشت و مدارا در کار نباشد. هنگام تیراندازی سفیر کبیر دابز جراحت مرگبار برداشت، یک دهشت افکن کشته، دیگری زخمی و دو دیگر زندانی و فردای آنروز به امر امین بدست ترون نابود ساخته شدند. ترون نیز خود در شرایط ابهام آمیزی بروز ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۹ کشته شد.

گروه تروریست ها که اعضای یک سازمان اسلامی بودند قصد داشتند تا با اختطاف سفیر امریکا دابز او را مجبور سازند در مورد همکاری امین با امریکایی ها صحبت نموده و امین را منحیت یک جاسوس سی آی ای رسوا سازد. امین به اقداماتی دست زد تا با نابود سازی همه اعضای گروه مذکور خود را از رسوایی نجات دهد. برخورد اداره کارتر درین مورد تکان دهنده بود. آنها باکی نداشتند بخاطر مخفی نگهداشتن ارتباط امین با سی آی ای جان سفیر خود را قربان نمایند.»

در فروری ۱۹۸۰ اقامتگاه کی جی بی با استفاده از قوماندان ملیشیای مردم<sup>۱۸</sup> عبدالصمد از هر (ایجنت «فتح») تلاش کرد تا در مورد قضیه دابز کژآگاهی بیشتری را انتشار دهد. مقاله چاپ شده در یک روزنامه زیر عنوان «مرگ سفیرکبیر دابز بار وجدان کیست؟» امریکایی ها را مسئول مرگ او خواند.

داستان اینکه امین چگونه به خدمت سی آی ای درآمد چنین است: یک کارشناس دستخط و دست نویسی که عضو یکی از گروه های اوپراتیفی کی جی بی بود به افغانستان فرستاده شد. یک یادداشت امین با یک شماره تلفون مربوط به سی آی ای به دستخط امین پس از مرگش در کتابچه یادداشتش یافت گردید. یک مشاور کی جی بی این کتابچه را بروز ۱۶ فروری به کارمل داده یادداشت مذکور را برایش نشان داد. کارمل اعلام داشت که این ثبوت قطعی مزیدی بود که ارتباط امین با دستگاه استخبارات امریکا را نشان می داد. به کارمل پیشنهاد گردید تا حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از حکومت امریکا تقاضا نماید تا دوسیه های حفیظ الله امین را که در ایالات متحده تحصیل کرده بود و در سی آی ای و اف بی آی (پولیس فدرال امریکا) وجود داشت به حکومت افغانستان تسلیم دهد. همچنین پیشنهاد گردید تا از طریق سفارت های افغانی در پاریس، لندن، روم و بن آگاهی هایی در مطبوعات به نشر رسد و در آنها از همه کسانی که در مورد فعالیت های جاسوسی حفیظ الله امین اطلاع

<sup>۱۷</sup> Yuly همانند بسا جاهای دیگر درین نوشته میتروخین هیچگونه توضیح بیشتری پیرامون این نام نداده است. - برگرداننده  
<sup>۱۸</sup> «کنا فی الاصل». از خوانندگان گرامی که دقیق می دانند مقام رسمی صمد از هر درین زمان چه بود درخواست کمک دارم. لطفاً به آدرس ایمیل [kbgdariproject@yahoo.com](mailto:kbgdariproject@yahoo.com) در تماس شوید. - برگرداننده

داشتند تقاضا شود تا معلومات دست داشته خود را به اطلاع مقامات افغانی برسانند. دلیل چنین تقاضا تحقیق در قتل تره کی و نقش امین در آن عنوان گردید.

کی جی بی نه تنها کارمندان امریکایی بلکه کارمندان سائر کشورها را نیز آماج قرار می داد. یک تبعه جمهوری فدرالی آلمان که در یک لابراتوار و ترنری (بیطاری) در مزار شریف برای ملل متحد کار می کرد، دو دیپلمات آلمان غربی و حتی سفیر هند در کابل هدف نقشه های کی جی بی قرار گرفتند. [چهار نام کشیده شده است] سفیر هند از اعتماد و الطاف تره کی و امین برخوردار بود و مناسبات نزدیکی با آنها داشت. چنین مناسبات نزدیک از نگر اقامتگاه برای منافع شوروی خطرناک بود چون سفیر مذکور هواخواه یک افغانستان مستقل و غیر منسلک بود. اقامتگاه کی جی بی از طریق دستگاه های خاص تبلیغاتی خود افتراات و داستان های جعلی را به نشر رساند تا وجهه و منزلت سفیرمذکور را در نزد تره کی و امین پایین آورد.

عملیات استراق سمع زیر نام «حرف "ز"» بمدت اضافه از دو سال در محل رهایش چهارده تن کارشناس چینیایی که در یک فابریکه نساجی در کابل مشغول کار بودند در جریان بود. اقامتگاه کی جی بی برین باور بود که چینیایی ها بصورت جدی دست اندرکار سنگ اندازی در راه نفوذ شوروی در افغانستان بودند و به کاروبار شهروندان شوروی در افغانستان علاقمندی نشان می دادند. موضوع به اندروپوف اطلاع داده شد و در جنوری سال ۱۹۷۷ یک ابزار «حرف "ز"» در محل رهایش چینیایی ها (که به آن نام مستعار «آشیانه» داده شده بود و در جوار محل رهایش یک داکتر شوروی بنام شپتوخه<sup>۱۹</sup> قرار داشت) تعبیه گردید. در ورودی که داکتر روسی از طریق آن وارد ساختمان می شد در کنار دری قرار داشت که مورد استفاده کارشناسان چینیایی بود. اعضای ریاست ۱۴ مربوط به ریاست عمومی اول کی جی بی در دیوار اتاق خواب داکتر شوروی که جفت اتاق تشمین متخصصین چینیایی بود میکروفونی نصب و یک نقطه کنترولی مجهز با ضبط الصوت در الماری کنار بستر همان اتاق تعبیه کردند. برای بررسی و ارزیابی مطالب بدست آمده حسینوف و روچکین<sup>۲۰</sup> کارشناسان زبان چینیایی از انستیتیوت «ت» ریاست عمومی اول کی جی بی که اخیرالذکر افسر عملیاتی ریاست «ک» کی جی بی بود به کابل فرستاده شدند. اقامتگاه کی جی بی در کابل و دفتر مرکزی کی جی بی در ماسکو انبوه گزارشات بدست آمده را در جستجوی معانی مستور در گفتارهای روزمره چینیایی ها می رویدند. چینیایی ها در اپریل سال ۱۹۷۹ به کشورشان برگشتند و وسایل استراق سمع برداشته شد.

در سال ۱۹۸۰ گروه ده نفری «ک.ر.» مشتمل برافسران عملیاتی کی جی بی مشغول پرورش ارتباطات با اشخاص معینی از سفارت های ایالات متحده امریکا، جمهوری مردم چین و کشور های ناتو بودند. گروه «ک.ر.» ۱۸ تن ایجنت و ۴۴ ایجنت پرورشی خارجی داشت. ایجنت های مذکور چنین تعیین تکلیف شده بودند: ۸ تن مؤلف پی گیری وضعیت در کشور، ۵ تن مؤلف پی گیری وضعیت در ولایات، ۶ تن مؤلف پی گیری امریکایی ها، ۳ تن مؤلف پی گیری مقامات حکومتی، ۴ تن مؤلف پی گیری اوضاع در قوای مسلح افغانستان، ۶ تن مؤلف پی گیری اوضاع در خدمات خاص (دستگاه استخباراتی) افغانی و عده بی ایجنت و ایجنت پرورشی مؤلف افشا سازی مجاهدین و ارتباطات آنها با سازمان های بین المللی.

دوستان اردوگاه سوسیالیستی و اتباع خود شوروی نیز از بدگمانی کی جی بی و سؤطن خیانت و فعالیت های ضد شوروی در امان نبودند. یک سیستم بررسی، تحلیل و ارزیابی اوپراتیفی بنام «کانتکت» («تماس») هرگونه تماس میان اتباع شوروی و اعضای سفارتخانه های پولند، بلغاریا، جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری شوروی سوسیالیستی چکسلواکیا را ثبت می کرد. مجالس مشترک باده گساری و میله های خارج شهر کابل همه گزارش داده می شدند. کی جی بی بیم داشت که اعضای سفارتخانه های نامبرده سعی داشتند آشنایی شان با شهروندان شوروی را گسترش دهند و در مورد تلفات و ضایعات نظامی شوروی کنجکاو می ناسالم نشان می دادند، کوشش می کردند درک کنند دستگاه مشاورین شوروی به چه کار هایی مشغولند و قس علی هذا. بوگورودتسکی،

واسیلیف و یولداشف<sup>۲۱</sup> بخاطر دوستی و نشست و برخاست گرم بی باکانه خود با رفقای بلغاریایی براتان، روزالیس و تیخومیر<sup>۲۲</sup> با دوباره فرخوانده شدن به شوروی قیمتی گزاف پرداختند.

ادامه دارد.....

---

Bogoroditsky, Vasilyev, Yuldashev<sup>۲۱</sup>  
Bratan, Rozalis, Tikhomir<sup>۲۲</sup>

تعداد صفحات: ۷ از ۷

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادداشت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.